

بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی فرزندان شهر بوشهر

سید احمد هاشمی*، نرجس علیپور، یعقوب علیپور

^۱ دانشیار و عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

Hmd_hashemi@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر

Email: alipournarges691@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

Alipoor_gold@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی فرزندان شهر بوشهر بود. طرح پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر و والدین آن‌ها تشکیل دادند. نمونه پژوهش به صورت تصادفی مرحله‌ای و از بین مدارس مختلف دبیرستان شهر بوشهر انتخاب شدند. حجم نهایی نمونه پژوهش براساس جدول مورگان، ۳۷۸ نفر محاسبه شد. شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های پژوهش شامل شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و مقیاس کمال‌گرایی تری-شورت و همکاران (۱۹۹۵) پاسخ دادند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. براساس نتایج به‌دست‌آمده سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه‌ی مثبت و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه رابطه‌ی منفی معنی‌داری با کمال‌گرایی مثبت دارند. همچنین سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه‌ی منفی و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه رابطه‌ی مثبت معنی‌داری با کمال‌گرایی منفی دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که سبک‌های فرزندپروری قادر به پیش‌بینی واریانس کمال‌گرایی مثبت و منفی می‌باشد. از سوی دیگر بین دانش‌آموزان دختر و پسر در زمینه‌ی کمال‌گرایی مثبت و منفی نیز تفاوت معنی‌داری بدست آمد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، کمال‌گرایی مثبت و منفی، نوجوانان.

کمال‌گرایی یک سازه شخصیتی است و با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار عالی و افراطی همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود (استوبر و اوتو^۱، ۲۰۰۶). فراست^۲ و همکاران (۱۹۹۰) کمال‌گرایی را سازه‌ای شش بعدی می‌دانند که شامل این ابعاد است: نگرانی درباره اشتباهات، تردید درباره فعالیت‌ها، انتظارات والدین، انتقادات والدین، معیارهای شخصی و نظم و سازماندهی. از طرف دیگر هویت و فلت^۳ (۱۹۹۱) کمال‌گرایی را شامل سه بعد خویشتن مدار، دیگر مدار و هنجارمدار دانستند. بسیاری از پژوهشگران کمال‌گرایی را پیامد تعامل کودکان با والدین‌شان می‌دانند (کوامورا، فراست و هامارتز^۴، ۲۰۰۲). در واقع این پژوهشگران بر نقش خانواده و محیط اجتماعی در شکل‌گیری و رشد کمال‌گرایی در فرزندان اتفاق نظر دارند و اعتقاد دارند که کمال‌گرایی ریشه در تجربه‌های دوران کودکی به ویژه رابطه والدین با کودک دارد. این پژوهشگران کمال‌گرایی را یک سبک بین‌فردی می‌دانند که در واکنش به تعامل با مراقبین به وجود می‌آید. بیشتر کودکان کمال‌گرا در خانواده‌هایی پرورش می‌یابند که عملکرد کمتر از کامل را با انتقاد آشکار یا ضمنی پاسخ می‌دهند. در نتیجه فرزندان این خانواده‌های متوقع، ممکن است شیوه‌های انتقادی ارزیابی از عملکرد خود را یاد بگیرند. عامل خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می‌آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را در مورد جهان فرا می‌گیرد و از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود. هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی- اجتماعی خویش به کار می‌گیرد که تحت عنوان سبک‌های فرزندپروری مشخص می‌شود. سبک‌های فرزندپروری، الگوهای استاندارد تربیت فرزند هستند که با آداب و پاسخ‌های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می‌شود (هیبارد و والتون^۵، ۲۰۱۴).

گسترده‌ترین الگوی فرزندپروری مورد استفاده در غرب، الگوی فرزندپروری بامریند^۶ (۱۹۹۱) است که سه سبک فرزندپروری قاطعانه^۷، استبدادی^۸ و سهل‌گیرانه^۹ را معرفی کرد. خانواده‌های با سبک فرزندپروری مستبدانه کنترل زیادی بر رفتارهای فرزندان‌شان دارند، به علاوه بیان شخصی و تصمیم‌گیری فردی در این خانواده‌ها تحقیر می‌شود. همچنین فرزندان برای دریافت تایید والدین‌شان ملزم به برآورده کردن توقعات آن‌ها هستند. وقتی این انتظارات برآورده نمی‌شوند، برای فرزندان احساس گناه به دنبال دارد. کودکان ممکن است به این فشارها با پذیرش استانداردهای غیرواقعی و بالای والدین‌شان واکنش نشان دهند و نگرانی بالایی پیرامون

1. Stoeber, J. & Otto
2. Frost
3. Hewitt & Flett
4. Kawamura & Harmatz
5. Hibbard & Walton
6. Baumrind
7. authoritative
8. authoritarian
9. permissive

برآوردن آن استانداردها تجربه کنند. این فرضیه توسط تعدادی از پژوهش‌گران که دریافتند کمال‌گرایی سازش‌نا یافته‌گرایش به بالا بودن در میان دانش‌آموزانی دارد که حس می‌کنند والدین‌شان خودمختاری کمی به آن‌ها داده‌اند.

والدین قاطع و اطمینان بخش، هم برای رفتار خود مختارانه و هم رفتار منضبط اعتبار فائزند. آنان روابط کلامی را تشویق می‌کنند و وقتی از اقتدار خود به عنوان والدین استفاده می‌کنند و کودک را از چیزی منع می‌کنند یا از او انتظاری دارند، برایش دلیل می‌آورند. کودکانی که در این خانواده‌ها پرورش می‌یابند، به تدریج به بلوغ شناختی و اجتماعی نزدیک می‌شوند و چیزی نمی‌گذرد که باید برای زندگی خودشان قبول مسئولیت کنند. در واقع معین بودن هدف‌ها و انتظام و ترتیب امور خانوادگی، راه و رسوم زندگی آن‌ها را روشن می‌سازد. والدین قاطع و اطمینان بخش علاوه بر عهده دار شدن نقش پدر و مادری، مسئولیت تربیت فرزندان را نیز تقبل می‌کنند و همواره سعی می‌کنند که با کسب آگاهی‌های تربیتی بیشتر از طرق مختلف این کار را انجام دهند. والدین مساوات طلب، سهل‌گیر و بی‌بند و بار نیز نمی‌توانند نیازهای کودکان یا نوجوانان را برآورده کنند. بعضی از والدین اجازه می‌دهند کودک هر کاری که می‌خواهد بکند، شاید به این دلیل که کاری به کودک ندارند و یا اینکه اهمیتی نمی‌دهند. در این خانواده‌ها سطح ارزش افراد خانواده پایین، روابط اعضای خانواده آشفتگی و غیر انسانی است. والدین این‌گونه خانواده‌ها، بین خودشان و کودک فاصله‌ای ایجاد و آن را حفظ می‌کنند و نیازهای خودشان را به جای نیازهای کودک مد نظر قرار می‌دهند.

پژوهش‌های مختلف سبک‌های فرزندپروری را مؤلفه‌های اساسی در رشد فرزندان دانسته و نشان داده‌اند که این مؤلفه با پیامدهای مهم شناختی، اجتماعی، رفتاری و هیجانی رابطه دارد (دریسکول، راسل و کروکت، ۲۰۰۸). در واقع یافته‌های پژوهشی نشانگر رابطه مستقیم بین سبک‌های فرزند پروری خشن و مستبدانه با جنبه‌های منفی کمال‌گرایی است (کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲). همچنین چندین مطالعه شواهدی فراهم کرده‌اند که از فرض به وجود آمدن کمال‌گرایی در خانواده‌هایی با والدین انتقادگر و آمرانه حمایت می‌کنند. کمال‌گرایی نابهنجار در خانواده‌هایی شکل می‌گیرد که فرزندپروری استبدادی دارند. به علت قابلیت کمال‌گرایی سازش‌نا یافته برای تخریب سلامت روان شناختی، شناخت ویژگی‌هایی که افراد را در معرض شکل‌گیری این نوع کمال‌گرایی قرار می‌دهد، اهمیت زیادی دارد. پژوهشگران بارها هم بر عامل‌های فردی (شخصیتی) و هم خانوادگی به عنوان پیش‌بینی کننده‌های کمال‌گرایی سازش‌نا یافته تمرکز کرده‌اند. باید توجه داشت که از بین عوامل خطر برای شکل‌گیری کمال‌گرایی سازش‌نا یافته، به شیوه فرزندپروری به عنوان یک متغیر مهم اشاره شده است (کلارک و کوکر، ۲۰۰۹). با توجه به مطالبی که بیان شد پژوهش حاضر حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا بین سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی فرزندان شهر بوشهر رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؟

1. Driscoll, Russell & Crockett

2. Clark & Coker



روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بوشهر تشکیل دادند. نمونه پژوهش به صورت تصادفی مرحله‌ای و از بین مدارس مختلف دبیرستان شهر بوشهر انتخاب شدند. حجم نهایی نمونه پژوهش براساس جدول مورگان، ۳۷۸ نفر می‌باشد. به منظور سنجش متغیرهای پژوهش از دو پرسش‌نامه استفاده شد:

الف) پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند: این ابزار براساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از الگوهای رفتاری سهل‌گیر، مستبد و قاطع و اطمینان بخش اقتباس شده که جهت بررسی مدل‌های نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیر، ۱۰ ماده به شیوه مستبد و ۱۰ ماده دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. ۱۰ ماده‌ی مربوط به شیوه استبدادی (عبارت‌های شماره ۲۱ و ۲۶ و ۲۵ و ۱۸ و ۱۶ و ۱۲ و ۹ و ۷ و ۳ و ۲)، ۱۰ ماده‌ی مربوط به شیوه سهل‌گیرانه (عبارت‌های شماره ۲۸ و ۲۴ و ۲۹ و ۱۹ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۰ و ۶ و ۱) و ۱۰ ماده‌ی مربوط به شیوه مقتدر و قاطع (عبارت‌های شماره ۳۰ و ۲۷ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۰ و ۱۵ و ۱۱ و ۸ و ۵ و ۴) مربوط می‌شود. در این پژوهش آزمودنی‌ها (مادران و پدران) با مطالعه هر ماده نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای مشخص می‌کنند. این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و رضایی (۱۳۷۵) مورد استفاده قرار گرفته و این محققین پایایی و روایی قابل قبولی را در مورد آن گزارش نموده‌اند. در پژوهشی که اسفندیاری (۱۳۷۴) انجام داده از ده نفر از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی درخواست نموده میزان اعتبار هر جمله از پرسشنامه را مشخص کنند. نتیجه نشان داد پرسشنامه دارای اعتبار صوری است. وی برای تعیین پایایی پرسشنامه از ۱۲ نفر از مادران جمعیت مورد مطالعه درخواست کرده تا پرسشنامه مذکور را تکمیل نمایند. بعد از گذشت مدت یک هفته مجدداً پرسشنامه توسط همان افراد تکمیل شده است. میزان پایایی برای شیوه سهل‌گیری ۰/۶۹ برای شیوه مستبد ۰/۷۷ و برای شیوه قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳ بدست آمد (اسفندیاری، ۱۳۷۴). بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای سهل‌گیر، ۰/۸۵ برای مستبد، ۰/۹۲ برای الگوی قاطع و اطمینان بخش پدران گزارش نمود. همچنین وی در مورد میزان اعتبار پرسشنامه این نتایج را گزارش نمود: مستبد بودن مادر رابطه معکوس با سهل‌گیری (۰/۵۰-) و اقتدار منطقی او (۰/۵۲-) دارد. در پژوهش حاضر آلفا کرونباخ برای سبک مقتدرانه ۰/۷۱، سبک مستبدانه ۰/۸۹ و سبک سهل‌گیرانه ۰/۸۵ بدست آمد که مطلوب بود.

ب) مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی: کمال‌گرایی مثبت و منفی (تری- شورت و همکاران، ۱۹۹۵) به منظور ارزیابی ابعاد مختلف کمال‌گرایی ساخته شده است. این پرسشنامه مشتمل بر ۴۰ گویه است که ۲۰ گویه‌ی آن کمال‌گرایی مثبت و ۲۰ گویه‌ی آن کمال‌گرایی منفی را ارزیابی می‌نماید. گویه‌ها در مقیاس پنج درجه‌ای کمال‌گرایی آزمودنی‌ها را از نمره یک تا پنج در دو زمینه مثبت و منفی می‌سنجد. حداقل نمره آزمودنی‌ها در هر یک

از مقیاس‌های آزمون ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ خواهد بود. این مقیاس توسط ساداتی فیروزآبادی (۱۳۹۴) نیز ترجمه شده و با فرم اصلی آن مطابقت کامل داده شده است. بشارت (۱۳۸۲) جهت تعیین اعتبار این مقیاس در یک نمونه ۲۱۲ نفری از دانشجویان از روش آلفای کرونباخ استفاده کرد. طبق گزارش این محقق، ضریب آلفا برای زیر مقیاس‌های کمال‌گرایی مثبت و منفی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۷ برای کل آزمودنی‌ها بود. در پژوهش ساداتی فیروزآبادی (۱۳۹۴) جهت تعیین روایی از روش همسانی درونی (تحلیل عوامل) استفاده گردید. ساختار عاملی مقیاس مثبت و منفی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ماتریکس به دست آمد. دو شاخص KMO و آزمون کرویت محاسبه شد. مقدار KMO برابر ۰/۹۱ و مقدار خی دو معنی‌دار بود ($p < 0/001$) که این مسأله بیانگر کفایت نمونه‌برداری و قابل توجیه بودن تحلیل عاملی بود. نتایج حاکی از دو عاملی بودن مقیاس بود که دامنه بار عاملی از ۰/۶۲ تا ۰/۷۸ بدست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های کمال‌گرایی مثبت و منفی ۰/۸۶ و ۰/۹۲ بدست آمد.

یافته ها

در این بخش داده‌های جمع‌آوری شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. پس از تجزیه و تحلیل آماری، نتایج به صورت یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه گردیده است. در بخش اول یافته‌های توصیفی، میانگین و انحراف معیار نمرات مربوط به متغیرهای سبک‌های فرزندپروری و کمال‌گرایی برای افراد نمونه آورده شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار بیشترین و کمترین نمره دانش‌آموزان در متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره	میانگین	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
سبک مقتدرانه	۳۲/۱۹	۵/۹۵	۵۰	۱۰	
سبک‌های فرزندپروری	۳۲/۶۳	۵/۷۱	۴۹	۱۰	
سبک سهل‌گیرانه	۳۳/۱۲	۵/۵۷	۴۹	۱۰	
کمال‌گرایی مثبت	۶۲/۶۱	۱۲/۴۵	۱۰۰	۲۰	
کمال‌گرایی مثبت	۶۵/۸۰	۱۱/۲۱	۱۰۰	۲۰	کمال‌گرایی

نتایج جدول فوق میانگین، انحراف معیار، بیشترین و کمترین نمرات دانش‌آموزان در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد در متغیر سبک‌های فرزندپروری میانگین سبک مقتدرانه ۳۲/۱۹ با انحراف معیار ۵/۹۵، میانگین سبک مستبدانه ۳۲/۶۳ با انحراف معیار ۵/۷۱ و میانگین سبک سهل‌گیرانه ۳۳/۱۲ با انحراف معیار ۵/۵۷ بود. در متغیر کمال‌گرایی نیز میانگین کمال‌گرایی مثبت ۶۲/۶۱ با انحراف

معیار ۱۲/۴۵ و میانگین کمال گرایی منفی ۶۵/۸۰ با انحراف معیار ۱۱/۲۱ بوده است. به منظور بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتیجه این تحلیل در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش بین پژوهش با کمال گرایی مثبت

متغیرهای ملاک		آماره		متغیرهای پیش بین	
کمال گرایی منفی	کمال گرایی مثبت	ضریب همبستگی	معنی داری	سبک های فرزندپروری	سبک های فرزندپروری
۰/۰۰۱	-۰/۴۶۴	۰/۳۷۳	۰/۰۰۱	سبک مقتدرانه	سبک های فرزندپروری
۰/۰۰۱	۰/۲۴۷	-۰/۳۰۴	۰/۰۰۱	سبک مستبدانه	سبک های فرزندپروری
۰/۰۰۱	۰/۵۲۳	-۰/۳۳۶	۰/۰۰۱	سبک سهل-گیرانه	سبک های فرزندپروری

یافته های جدول ۲ نشان می دهد که سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه ی مثبت و سبک های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه رابطه ی منفی معنی داری با کمال گرایی مثبت دارند. همچنین سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه ی منفی و سبک های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه رابطه ی مثبت معنی داری با کمال گرایی منفی دارند. به منظور بررسی مهمترین عامل از بین سبک های فرزندپروری والدین در پیش بینی کمال گرایی مثبت فرزندان در شهر بوشهر از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون برای کمال گرایی مثبت را بر اساس سبک های فرزندپروری نشان می دهد.

جدول ۳: خلاصه مدل عوامل موثر بر کمال گرایی مثبت بر اساس سبک های فرزندپروری

آماره	R	R ²	R ² تنظیم شده	خطای استاندارد	F	سطح معنی داری	مدل
۰/۵۲۲	۰/۲۷۳	۰/۲۶۷	۰/۲۶۷	۱۰/۶۶۳	۴۶/۸۱۳	۰/۰۰۱	سبک های فرزندپروری

جدول ۴: ضرایب مدل عوامل مؤثر بر کمال گرایی مثبت براساس سبک‌های فرزندپروری

سطح معنی داری	t	ضریب استاندارد شده		آماره	مدل
		β	B		
۰/۰۰۱	۱۳/۷۷۸	-	خطای استاندارد ۵/۴۶۳	۷۵/۲۷۲	مدل
۰/۰۰۱	۷/۲۸	۰/۳۲۵	۰/۰۹۳	۰/۶۷۹	سبک مقتدرانه
۰/۰۰۱	-۵/۲۲۶	-۰/۲۳۶	۰/۰۹۸	-۰/۵۱۴	سبک مستبدانه
۰/۰۰۱	-۵/۲۷۱	-۰/۲۴	۰/۱۰۲	-۰/۵۳۶	سبک سهل گیرانه

جدول ۳ نشان داد که مدل عوامل مؤثر بر کمال گرایی مثبت معنی دار بود ($F=۴۶/۸۱۳$, $p<۰/۰۰۱$). این مدل ۲۶ درصد واریانس کمال گرایی مثبت را توجیه می‌کند. ضرایب β سبک‌های فرزندپروری ادراک شده پیش بینی کننده معنی داری برای کمال گرایی مثبت می‌باشد. همچنین ضرایب بتا نشان می‌دهد که هر سه سبک فرزندپروری ادراک شده (نمره بالا در سبک فرزندپروری مقتدرانه و نمره پایین در سبک‌های مستبدانه و سهلگیرانه) قادر به پیش‌بینی معنی دار کمال گرایی مثبت می‌باشند. به منظور بررسی مهمترین عامل از بین سبک‌های فرزندپروری والدین در پیش‌بینی کمال گرایی منفی فرزندان در شهر بوشهر از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون برای کمال گرایی منفی را بر اساس سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد.

جدول ۵: خلاصه مدل عوامل مؤثر بر کمال گرایی منفی براساس سبک‌های فرزندپروری

سطح معنی داری	F	خطای استاندارد	آماره			مدل
			R^2	R^2	R	
۰/۰۰۱	۹۹/۸۶۵	۸/۳۹۲	تنظیم شده ۰/۴۴	۰/۴۴۵	۰/۶۶۷	سبک‌های فرزندپروری



جدول ۶: ضرایب مدل عوامل مؤثر بر کمال‌گرایی منفی بر اساس سبک‌های فرزندپروری

سطح معنی‌داری	t	ضریب استاندارد شده		B	خطای استاندارد	ضریب استاندارد نشده	آماره	مدل
		β						
۰/۰۰۱	۱۲/۰۶	-		۵۱/۸۵۷	۴/۳			مدل
۰/۰۰۱	-۱۰/۰۹	-۰/۳۹۳		-۰/۷۴	۰/۰۷۳			سبک مقتدرانه
۰/۰۰۱	۳/۴۰۶	۰/۱۳۴		۰/۲۶۴	۰/۰۷۷			سبک مستبدانه
۰/۰۰۱	۱۱/۰۱۶	۰/۴۳۸		۰/۸۸۱	۰/۰۸			سبک سهل‌گیرانه

جدول ۵ نشان داد که مدل عوامل مؤثر بر کمال‌گرایی منفی معنی‌دار بود ($F=99/865$, $p<0/001$). این مدل ۴۴ درصد واریانس کمال‌گرایی منفی را توجیه می‌کند. ضرایب β سبک‌های فرزندپروری ادراک شده پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای کمال‌گرایی منفی می‌باشد. همچنین ضرایب بتا نشان می‌دهد که هر سه سبک فرزندپروری ادراک شده (نمره پایین در سبک مقتدرانه و نمره بالا در سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه) قادر به پیش‌بینی معنی‌دار کمال‌گرایی منفی می‌باشند. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش حاضر تأیید گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری با کمال‌گرایی فرزندان شهر بوشهر بود. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه‌ی مثبت و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه رابطه‌ی منفی معنی‌داری با کمال‌گرایی مثبت دارند. بنابراین فرضیه اول پژوهش حاضر تأیید گردید. این یافته با پژوهش‌های خارجی همچون گنگ و همکاران (۲۰۱۵)، هیبارد و هیلتون (۲۰۱۴)، اولسن (۲۰۱۲)، ساییجا و همکاران (۲۰۱۱) و کاوامورا و همکاران (۲۰۰۲) و پژوهش‌های داخلی ابراهیمی و زارعی (۱۳۹۳)، تقوی و همکاران (۱۳۹۲)، اندام و همکاران (۱۳۹۲)، فرنودیان و همکاران (۱۳۹۲) و بشارت و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که کمال‌گرایی سالم در سبک فرزندپروری مقتدرانه پرورش می‌یابد که در آن والدین پاسخگو و پذیرا هستند و در عین حال توقع معقولی از فرزند خود دارند. والدین مقتدر از معیارهایی که برای فرزندان خود تعیین می‌کنند اطمینان دارند و الگوهایی برای رفتار خودگردان می‌شوند. والدین مقتدر همواره به فرزندان خود اجازه می‌دهند تا بفهمند افراد شایسته‌ای هستند و می‌توانند

خودشان کارهایی را با موفقیت انجام دهند و این به عزت نفس بالا و پختگی شناختی و اجتماعی آن‌ها کمک می‌کند (برک، ۲۰۰۷؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۸۸). در نتیجه فرزندان والدین مقتدر معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند، اما به جای این که رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها برای‌شان مهم باشد، به نفس تلاش کردن اهمیت می‌دهند. کمال‌گرایی سالم نه تنها موجب مشکلی نمی‌شود، بلکه باعث می‌شود که فرد استعدادهای خویش را شکوفا سازد و به احساس رضایت شخصی بالایی دست یابد. این یافته در بسیاری از پژوهش‌ها نیز مطرح شده است. از جمله دنیز و تزر (۲۰۰۸) و اسمیت (۲۰۰۷) که نشان دادند ادراک از سبک والدینی مقتدرانه با نمرات بالا در کاردانی آموخته شده، عزت نفس و خودکارآمدی همراه است.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه‌ی منفی و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه رابطه‌ی مثبت معنی‌داری با کمال‌گرایی منفی دارند. بنابراین فرضیه دوم پژوهش حاضر تأیید گردید. این یافته با پژوهش‌های خارجی همچون گنگ و همکاران (۲۰۱۵)، هیبارد و هیلتون (۲۰۱۴)، اولسن (۲۰۱۲)، سایبجا و همکاران (۲۰۱۱) و کاوامورا و همکاران (۲۰۰۲) و پژوهش‌های داخلی ابراهیمی و زارعی (۱۳۹۳)، تقوی و همکاران (۱۳۹۲)، اندام و همکاران (۱۳۹۲)، فرنودیان و همکاران (۱۳۹۲) و بشارت و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که از آن‌جا که والدین دارای سبک مستبدانه از نظر عامل‌های تقاضا و کنترل خیلی بالا هستند (ماندرا، ۲۰۰۳)، رفتارها و نگرش‌های فرزندانشان را مطابق با یک سری استانداردهای رفتاری که معمولاً مطلق هستند شکل می‌دهند، کنترل و ارزیابی می‌کنند. این سبک، هم‌چنین از نظر عامل پاسخ‌دهی پایین است و والدین دارای این سبک، رفتارهای منفی فرزندان را به خود فرزندان و تقصیر اعمال اشتباه را به علت‌های درونی نسبت می‌دهند و از فرزندان انتظار دارند از قوانین آن‌ها بدون هیچ‌گونه پرسش و اعتراضی پیروی کنند (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۲). در این خانواده‌ها، فرزندان شیوه‌های ارزیابی غیرکمال‌گرایانه رفتارهای خود و دیگران را یاد نمی‌گیرند. همسو با این تبیین، کمال‌گرایی در خانواده‌هایی رشد می‌یابد که عملکردهای کمتر از کامل فرزندان با انتقاد والدین روبه‌رو می‌شود و در این خانواده‌ها استانداردها و انتظارات بالای والدین به فرزندان تحمیل می‌شود. در نتیجه‌ی این انتقادات، انتظارات و استانداردهای بالا که توسط والدین متوقع، از جمله والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه اعمال می‌شود، این فرزندان شیوه‌های ارزیابی عملکرد خود به طور کمتر انتقادی را یاد نمی‌گیرند. بنابراین، این افراد به شیوه‌ی کمال‌گرایانه رفتارهای خود و دیگران را ارزیابی می‌کنند (کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲). والدین دارای سبک فرزندپروری مستبدانه، به اطاعت ارزش می‌دهند و اعتقاد دارند که فرزندان باید آنچه را که والدین می‌گویند، بپذیرند و از قوانین آن‌ها بدون هیچ‌گونه پرسش و اعتراضی پیروی کنند (کوپلن و همکاران، ۲۰۰۲). این دسته از والدین اعتقاد دارند که فرزندان باید تصمیمات و قوانین آن‌ها را بپذیرند، حتی اگر آن‌ها را به درستی نفهمیده باشند (ماندرا، ۲۰۰۳) و خودمختاری فرزندان را محدود می‌کنند. بنابراین ممکن است در این خانواده‌ها فرزندان ملاک‌های درونی ارزیابی رفتار را یاد نگرفته و همیشه رفتارهای خود و دیگران را براساس ملاک‌های بیرونی ارزیابی کنند و به واسطه داشتن مرکز ارزیابی بیرونی به دنبال رعایت استانداردهای

بالای دیگران باشند. این افراد در دنبال کردن یک سیستم ثابت درونی شده ارزش‌ها ناتوان‌اند و اعتماد به ارگانسیم خود را از دست می‌دهند و این همان چیزی است که کمال‌گرایی سازش‌نا یافته یا نوروتیک می‌دانند (اشبی و همکاران، ۲۰۰۵).

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که مدل عوامل مؤثر بر کمال‌گرایی مثبت معنی‌دار بود ($F=46/813, p<0/001$). این مدل ۲۶ درصد واریانس کمال‌گرایی مثبت را توجیه می‌کند. ضرایب β سبک‌های فرزندپروری ادراک شده پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای کمال‌گرایی مثبت می‌باشد. همچنین ضرایب بتا نشان می‌دهد که هر سه سبک فرزندپروری ادراک شده (نمره بالا در سبک فرزندپروری مقتدرانه و نمره پایین در سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه) قادر به پیش‌بینی معنی‌دار کمال‌گرایی مثبت می‌باشند. بنابراین فرضیه سوم پژوهش حاضر تأیید گردید. این یافته با پژوهش‌های خارجی همچون گنگ و همکاران (۲۰۱۵)، هیبارد و هیلتون (۲۰۱۴)، اولسن (۲۰۱۲)، ساپیجا و همکاران (۲۰۱۱) و کاومورا و همکاران (۲۰۰۲) و پژوهش‌های داخلی ابراهیمی و زارعی (۱۳۹۳)، تقوی و همکاران (۱۳۹۲)، اندام و همکاران (۱۳۹۲)، فرنودیان و همکاران (۱۳۹۲) و بشارت و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که براساس دیدگاه سویننس و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی که رابطه کمال‌گرایی و کنترل روان‌شناختی والدین با کمال‌گرایی فرزندان را مورد بررسی قرار داده، نشان دادند که والدینی که با استانداردهای بسیار بالا و توجه زیاد به شکست‌ها مشخص می‌شوند بیشتر احتمال دارد درگیر پذیرش مشروط، القای احساس گناه و سبک فرزندپروری مداخله‌کننده شوند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها والدین کمال‌گرایی خود را در سبک فرزندپروری شان به نمایش می‌گذارند. والدین کمال‌گرا ممکن است آرزوها و آرمان‌هایی را که خودشان نتوانسته‌اند به آنان برسند، برای فرزندان خود به کار ببرند و رفتارهای آنان را به صورت انتقادی ارزیابی کنند و درگیر فنون روان‌شناختی که یکی از مولفه‌های فرزندپروری است شوند (بلت، ۱۹۹۵). براساس نظر هویت و فلت (۱۹۹۰) که معتقدند کمال‌گرایان اغلب انتظارات غیرواقع‌بینانه از دیگران دارند و آنان را به شیوه انتقادی ارزیابی می‌کنند، دلیل فرافکنی آرزوها و استانداردهای شخصی والدین به فرزندان در قالب شیوه فرزندپروری کنترل‌گرایانه توجیه می‌شود. سویننس و همکاران (۲۰۰۸) گزارش کردند که استفاده از کنترل روان‌شناختی در والدین، با افزایش کمال‌گرایی سازش‌نا یافته در فرزندان نوجوان‌شان به ویژه پسران رابطه دارد. سویننس (۲۰۰۵) دریافت که کنترل روان‌شناختی به طور مثبت با کمال‌گرایی سازش‌نا یافته ارتباط دارد و گرمی / پاسخ‌دهی به طور منفی با کمال‌گرایی سازش‌نا یافته ارتباط دارد و نظارت رفتاری با کمال‌گرایی سازش‌نا یافته ارتباطی ندارد.

یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که مدل عوامل مؤثر بر کمال‌گرایی منفی معنی‌دار بود ($F=99/865, p<0/001$). این مدل ۴۴ درصد واریانس کمال‌گرایی منفی را توجیه می‌کند. ضرایب β سبک‌های فرزندپروری ادراک شده پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای کمال‌گرایی منفی می‌باشد. همچنین ضرایب بتا نشان می‌دهد که هر سه سبک فرزندپروری ادراک شده (نمره پایین در سبک مقتدرانه و نمره بالا در سبک‌های

مستبدانه و سهل گیرانه) قادر به پیش بینی معنی دار کمال گرایی منفی می باشند. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش حاضر تأیید گردید. این یافته با پژوهش های خارجی همچون گنگ و همکاران (۲۰۱۵)، هیبارد و والتون (۲۰۱۴)، اولسن (۲۰۱۲)، سایچا و همکاران (۲۰۱۱) و کاوامورا و همکاران (۲۰۰۲) و پژوهش های داخلی ابراهیمی و زارعی (۱۳۹۳)، تقوی و همکاران (۱۳۹۲)، اندام و همکاران (۱۳۹۲)، فرنودیان و همکاران (۱۳۹۲) و بشارت و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می توان چنین گفت که افراد کمال گرای منفی (ناپهنجار) یا روان رنجور بیشتر در فکر آنند که مبدا اشتباهی از آنها سر بزند؛ آنها هیچوقت احساس پیروزی نمی کنند. آنها حتی اگر از دیگران بهتر کار کنند، باز هم احساس رضایت نمی کنند و خود را سرزنش می کنند و هدف بالاتری را در نظر می گیرند و مدام در این زنجیره بی انتها گرفتارند و همیشه با خودشان درگیرند و در نتیجه دچار انواع افسردگی و اضطراب می شوند (فلت و هویت، ۲۰۰۶). در خانواده های دارای سبک فرزندپروری مستبدانه، تأیید و پذیرش فرزندان مشروط و وابسته به رعایت بی قید و شرط انتظارات و استانداردهای والدین است و احساس ارزش خود فرزندان اغلب وابسته به تأیید والدین است. اگر کامل نبودن عملکرد با انتقاد والدین رو به رو شود فرزندان ممکن است از اشتباه کردن بترسند (کاوامورا و همکاران، ۲۰۰۲). از سویی کمال گرایی ناپهنجار در خانواده هایی شکل می گیرد که فرزندپروری استبدادی دارند. این خانواده ها کنترل زیادی بر رفتارهای فرزندان شان دارند، به علاوه بیان شخصی و تصمیم گیری فردی در این خانواده ها تحقیر می شود. همچنین فرزندان برای دریافت تأیید والدین شان ملزم به برآورده کردن توقعات آنها هستند. وقتی این انتظارات برآورده نمی شوند، برای فرزندان احساس گناه به دنبال دارد. کودکان ممکن است به این فشارها با پذیرش استانداردهای غیرواقعی و بالای والدین شان واکنش نشان دهند و نگرانی بالایی پیرامون برآوردن آن استانداردها تجربه کنند. این فرضیه توسط تعدادی از پژوهش گران که دریافته اند کمال گرایی سازش نایافته گرایش به بالا بودن در میان دانش آموزانی دارد که حس می کنند والدین شان خودمختاری کمی به آنها داده اند (یا کنترل زیادی روی رفتارشان دارند)، حمایت می شود (انس، کاکس و کلارا، ۲۰۰۲).

منابع

ابراهیمی، محمد اسماعیل و زارعی، فرشته (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های فرزند پروری با کمال گرایی فرزندان. دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، تهران.

بشارت، محمدعلی، عزیزی، کوروش و پورشریفی، حمید (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۷، شماره ۲۶، ۱۶۰-۱۴۵.

هاشمی، سید احمد، (۱۳۹۰) روانشناسی یادگیری، چاپ دوم، دانشگاه آزاد اسلامی لامرد

تقوی، فاطمه، ایراندوست راضیه، محرابی، مریم و شمسی گوشکی، نجمه (۱۳۹۲). بررسی رابطه شیوه ی فرزند پروری با کمال گرایی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان اقلید. ششمین کنگره بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان، تبریز.

Flett, G.L. & Hewitt, P.L. (2002). Perfectionism and maladjustment. In G.L, Flett & P.L., Hewitt (Eds). Perfectionism: theory, research and treatment (PP. 5-33). Washington, DC: American Psychological Association (APA).

Kawamura, K. Y., Frost, R. O., & Harmatz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 32(2), 317-327.

Hibbard, D. R., & Walton, G. E. (2014). Exploring the development of perfectionism: The influence of parenting style and gender. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 42(2), 269-278.

The relationship between parenting styles and children's perfectionism of Bushehr city.

Abstract

The aim of this study was to examine the relationship between parenting styles and children's perfectionism of Bushehr city. The study population included all high school Students and their parents in Bushehr city and the sample consisted of 378 participants who were selected by randomly multistage cluster sampling. All subjects answered to Positive and negative perfectionism scale and Baumrind parenting styles questionnaire. Descriptive statistics, Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis were used to analyze the results. The results showed that there is a statistically significant positive relationship between authoritative styles with positive perfectionism and negative relationship between authoritarian and permissive styles with positive perfectionism. Also there is a statistically significant negative relationship between authoritative styles with negative perfectionism and positive relationship between authoritarian and permissive styles with negative perfectionism. Stepwise regression analysis showed that parenting styles are predictive of positive and negative perfectionism. Multivariate analysis of variance showed that there are significant differences between Students based on gender in terms of positive and negative perfectionism.

Keywords: parenting styles, Positive and negative perfectionism, Adolescents.